بخش دوم و پایانی

فقرزدایی با مزارع سبز

آسیا بدون توسعه به امنیت غذایی نمی رسد

ارتباط میان توسعه اقتصادی و توانایی فقرا در تأمین کالاها و خدمات اساسی موضوع بحث های سیاسی در سال های اخیر است. این بحث زمانی که بسیاری از کشورهای در حال توسعه از جمله کشورهایی که در سابق دارای اقتصاد مرکزی بودند و سیاست های مبتنی بر توسعه را به دنبال تشدید بحران در سال های بعد پذیرا شدند پیش می آید. یک ادعا این است که فقرا به طور کامل و یا نسبی از چنین سیاست هایی زیان می بینند. ادعای دیگر نیز این است که در حالی که فقرا از چنین سیاست هایی در درازمدت منتفع می شوند، اما به طور بی تناسبی، هزینه های کوتاه مدت ناشی از چنین سیاست هایی را متحمل می شوند.

پیش از دوره اصلاحات روستایی (۱۹۷۸-۱۹۵۲) رشد بخش کشاورزی چین به طور متوسط ۲/۹ درصد بوده است. در جنوب چین، سرمایه گذاری های تحقیقاتی و اصلاحات سازمانی بخصوص معرفی سیستم «خانواده - مسئول» در مشاهده رشد (بیشتر از ۵ درصد) در آغاز دوره اصلاحات (بانک جهانی، ۱۹۹۷) سهیم بوده اند. در شمال چین سیستم خانواده - مسئول حدود ۳/۸ درصد از ۷/۶ درصد رشد سالانه گندم در همان مدت را موجب شده است. باید توجه داشت که در چین سرمایه گذاری در تحقیقات و توسعه کشاورزی از اصلاحات سازمانی بسابقه تر است. شاخص شدت تحقیقات از اواسط دهه ۱۹۶۰ تا اواخر دهه ۱۹۷۰ بهبود قابل ملاحظه ای داشته است. این امر انگیزه کشاورزان را در واکنش بهتر نسبت به اصلاحات سازمان بهبود می بخشد. همان شاخص ها نشان می دهند که حمایت از سرمایه گذاری درتحقیقات و توسعه کشاورزی از اواسط دهه ۱۹۸۰ به طور قابل توجهی کاهش داشته است.

هزینه های واقعی تحقیقات کشاورزی که به صورت نسبی از ارزش افزوده کشاورزی بیان می شوند از ۰/۴۱ درصد در اوایل دهه ۱۹۸۰ به ۰/۳۹ درصد در اوایل دهه ۱۹۹۰ کاهش داشته است. هزینه هر محقق مسائل کشاورزی نیز کاهش مشابه را نشان می دهد. حال که به نظر می رسد این کاهش ها همسو با روند جهانی است این سؤال ایجاد می شود که آیا رشد کشاورزی درچین در طولانی مدت پایدار خواهدماند؟

قابل ذکر است که نرخ بازگشت اقتصادی تحقیقات کشاورزی در چین بالاست (بیش از ۷۰ درصد) و به نظر می رسد به طور قابل ملاحظه ای بیشتر از دیگر سرمایه گذاری های دولتی باشد. میزان تقریبی مشابهی نیز برای دیگر کشورهای درحال توسعه به دست آمده است.

در مجموع می توان گفت رشد بهره وری، موتور رشد تولید غذایی در کشورهای آسیایی خواهد بود. اما برای رونق رشد بهره وری ضروری است که هم به اعتبار و هم به عدم کارآیی فنی در سازمان های روستایی اشاره شود.

تصمیم گیران سیاسی باید به آثار تجارت و سیاستهای کلان اقتصادی بر انگیزه های کشاورزی در مناطق روستایی توجه بیشتری داشته باشند. کشاورزان و روستائیان در کشورهای در حال توسعه در مناطق روستایی به انگیزه های اقتصادی تقریباً به همان طریقی که به صنعت و خدمات پاسخ می گویند واکنش نشان می دهند. اگر اصلاحات قیمتی از طریق سرمایه گذاری بر کالاهای عمومی بویژه سرمایه گذاری در تحقیقات و توسعه کشاورزی و زیرساخت های روستایی کامل شوند، پاسخ می گویند واکنش نشان می دهند. اگر اصلاحات قیمتی از طریق سرمایه گذاری بر کالاهای عمومی بویژه سرمایه گذاری در تحقیقات و توسعه کشاورزی و زیرساخت های روستایی کامل شوند، پاسخ روستائیان قوی تر خواهد شد.

> رشد بهره وری موتور رشد تولید غذایی در کشورهای آسیایی است به شرطی که به سازمان های روستایی بهای ویژه ای داده شود

به لحاظ تاریخی، سه عامل عمده که در درجه اول بر تغییرات مصرف غذایی در سطوح ملی و منطقه ای اثر می گذارند عبارتند از رشد جمعیت، رشد درآمد (و توزیع آن) و قیمت های غذایی. این عوامل در سطح خانوار نیز عمل می کنند اما راه های آن با راه هایی که در سطح ملی به کار می روند کاملاً یکسان نیست.

رشد جمعیت آسیا که حدود ۶۰ درصد از جمعیت امروزی دنیا را تشکیل می دهد در دهه ۱۹۶۰، سالانه ۲/۳ درصد و در دهه ۱۹۷۰، ۲/۱ درصد و در دهه ۱۹۸۰، ۱/۷ درصد و در دهه ۱۹۹۰، ۱/۸ درصد بوده است. جمعیت آسیا در اوایل دهه ۱۹۹۰، ۱/۴ برابر جمعیت اوایل دهه ۱۹۷۰ بوده است. اما باید توجه داشت که از سرعت این رشد در دهه های اخیر کاسته شده است که بازتاب گذر دموگرافیکی است و مشکلات حادی را برای آینده امنیت غذایی منطقه به وجود خواهد آورد (همانند دیگر نقاط دنیا). لازم به ذکر است که ۳ کشور بزرگ منطقه (چین، هند و هند و چین) ۷۰ درصد از جمعیت کنونی منطقه را تشکیل می دهند. به طور حتم مسأله امنیت غذایی این منطقه از سیاست های غذایی این کشورها جدا نیست. در واقع این سؤال که آیا چین قادر به تغذیه جمعیت خود است، توجه زیادی را در داخل و خارج منطقه آسیا و در سازمان های چندجانبه، به خود جلب کرده است. مسأله ای که موجب تشدید این ترس می شود رشد سریع درآمد در شرق آسیا بویژه چین و بیشتر کشورهای آسیایی جنوب شرقی است. در این کشورها هر ۱۰ سال در سه دهه گذشته، قدرت خرید دو یا سه برابر شده است. در جنوب آسیا، در این مدت، رشد درآمد چندان چشمگیر نبوده است اما در مقایسه با متوسط درآمد کشورهای در حال توسعه، قابل ملاحظه است. با انجام اصلاحات سیاسی که به طور قابل توجهی موفقیت آمیز بوده اند، این کشورها بویژه هند، رشد نسبتاً خوبی را در دهه ۱۹۹۰ به دست آوردند. اکثر قسمت های هند، رشدی حدود ۶-۵ درصد داشته است. بنگلادش و پاکستان با متوسط رشد ۵-۴ درصد چندان پائین تر از هند قرار ندارند.

به خوبی روشن است که تقاضا برای غذا، حتی در کشورهای فقیر، تا حدودی نسبت به درآمد انعطاف ناپذیر است. از این رو، انتظار می رود مصرف غذا به عنوان نسبتی از مصرف کل خانوار با افزایش درآمد سرانه کاهش یابد. این مسأله در مورد غلات وضوح بیشتری دارد اما برای گوشت و فرآورده های لبنی، میوه جات، ماهی و فرآورده های آبزی بسیار کمتر است. به غیر از درآمد، تغییر شکل ساختاری که معمولاً با توسعه اقتصادی همراه است نیز تأثیر عمیقی بر مصرف غذا دارد. درآسیا، توسعه سریع شهری تغییرات شگرفی را در رژیم غذایی و عادات مصرف کنندگان، تغییر سلیقه به نفع گوشت، تولیدات لبنی و ماهی به غیر از غلات به وجود آورده است. در ژاپن و ایالت Taiwan چین و کره، مصرف مستقیم سرانه گندم کاهش یافته است، در حالی که مصرف مستقیم غلات در ۳ دهه گذشته افزایش داشته است. اگر تا دو دهه دیگر، توسعه اقتصادی در چین، هند و فیلیپین پایدار بماند احتمالاً الگوهای مشابهی نظیر آن به وجود می آیند.

آثار ترکیبی رشد جمعیت و رشد درآمد بر مصرف کلی، به اندازه ای که در بحث های عمومی مطرح می شوند نگران کننده نیستند. رشد مصرف سرانه غله دنیا در دهه ۱۹۸۰ تنها ۱/۷ درصد در سال و ۳/۱ درصد در سال در دهه ۱۹۶۰ بوده است. رشد در دهه ۱۹۶۰ تنها مختصری بیش از دهه ۱۹۵۰ و ۱۹۷۰ بود. اگر قیمت های واقعی غذا در دنیا در اوایل دهه ۱۹۸۰ و اوایل دهه ۱۹۹۰ افت شدیدی نداشت، رشد در دهه ۱۹۸۰ می توانست بسیار کندتر باشد. انتظار می رود رشد جمعیت دنیا در چند دهه دیگر کاهش بیشتری پیدا کند. در پروژه های سازمان ملل این رشد حدود ۱/۷ درصد در سال در میان سال های ۱۹۹۰ و ۲۰۲۵ برآورد شده است. به نظر می رسد در آسیا، این رشد حدود ۱/۶ درصد در سال باشد. به علاوه مسأله گذار دموگرافیکی نیز مطرح است که با کاهش نرخ وابستگی و افزایش سهم فعالیت اقتصادی در کل جمعیت مشخص می شود. در شرق آسیا، گذار دموگرافیکی در دهه های اخیر رشد کل پس اندازهای داخلی را افزایش داده است.

نرخ بالای پس اندازهای داخلی شرط لازم رشد سریع و پایدار است و نمادی از تنها منبع اصلی کاهش فقر در درازمدت است. از آنجا که کشش درآمدی تقاضا برای غلات معمولاً پائین است به نظر می رسد در آینده، با افزایش درآمد بیش از این شود. تغییرات در مصرف آتی ناشی از پیش بینی کاهش جمعیت است و به نظر می رسد تغییرات تقاضا را به دلیل رشد درآمد سرانه تحت الشعاع قرار دهد. با توجه به پیش بینی های جمعیتی از سوی سازمان ملل و فرض کشش درآمدی در دو دهه آینده، افزایش در مصرف سرانه گندم دنیا را سالانه کمتر از ۰/۲ درصد (برای کشورهای در حال توسعه حدود ۰/۵ درصد در سال یا ۱۶ درصد برای سه دهه آینده) تخمین زده است. بیشتر این رشد، از مصرف مستقیم انسانی غله نیست، بلکه ناشی از مصرف غیرمستقیم از طریق رشد تقاضا برای فرآورده های دامی است. شگفت آور این که، پیش بینی های تراز غذایی شناخت مشابهی را از طرف تقاضا نشان می دهند. تفاوت های مشخصی در پیش بینی های طرف عرضه وجود دارد که تا اندازه ای ناشی از فرضیات بسیار متفاوت درباره پارامترهای مهم پیش بینی است، مثل نرخ افزایش در عملکرد بیولوژیکی غلات، مقدار زمین در دسترس برای کشت، امکانات آبیاری و فشارهای زیست محیطی. اما در کل این پیش بینی ها، هیچ گونه مشکل عرضه غذایی را در منطقه آسیا در آینده نشان نمی دهند.

بنابراین، جمعیت و رشد درآمد، تهدید جدی برای دسترسی به عرضه غذا در آینده نیست. این پیش بینی ها اختلاف های اساسی موجود در حقوق غذایی کشورهای آسیایی در حال توسعه را که به علت اختلاف در شرایط اولیه ای است که این کشورها با آن روبروند (عامل بهره مندی، کیفیت حکومت، نظام تجاری، سازمان ها) نادیده می گیرند. حتی در داخل یک کشور دسترسی به عرضه غذایی (و پایداری آن) لزوماً به ثبات تقاضای غذایی برای گروه های مختلف جمعیتی، حوزه های اجرایی یا مناطق جغرافیایی تعبیر نمی شود. آن طور که تاریخچه قحطی نشان می دهد، دسترسی به غذا و عرضه ناپایدار، بخش کوچکی از وضعیت حاد خطر امنیت غذایی است.

از طرف دیگر، نوسان های تقاضای غذایی با بدون ناپایداری قابل ملاحظه در عرضه، می تواند اوج قیمتی شدیدی را برای غذا ایجاد کند. این مسأله زمانی که توسعه اقتصادی تنها به گروه فقیر در یک منطقه و نه به گروه های فقیر در دیگر مناطق سود برساند اتفاق می افتد. افزایش در تقاضای غذایی گروه های بهره مند از توسعه، فشار رو به افزایشی را بر قیمت غذایی اعمال می کند. از این رو حقوق غذایی گروه هایی که از توسعه برخوردار نیستند مورد تهدید قرار می گیرد. علل ریشه ای اوج قیمتی معمولاً یا به دلیل ضعف (فقدان) زیر ساخت ها و یا سیاست های نامناسب (برای مثال تعرفه بالا یا موانع غیرتعرفه ای برای حمایت از اهداف خودکفایی) و یا هر دو این عوامل است.

پاسخ فعالیت های غیر کشاورزی و توسعه روستایی

برای اقتصادهای در حال توسعه که با کمبود زمین و افزایش سریع نیروی کار روبروبند، افزایش فعالیت های غیرکشاورزی روستایی کلید کاهش پایدار فقر روستایی است. معیار (گرچه کامل نیست) اهمیت فعالیت های غیرکشاورزی روستایی در اقتصاد روستایی آسیا، سهم درآمد غیرکشاورزی از درآمد کل خانوار است. در سال های اخیر این سهم حدود ۳۵ درصد در جنوب شرق آسیا و ۲۹ درصد در جنوب آسیا بوده است. در شرق آسیا جایی که شرایط برای پیدایش فعالیت های غیرکشاورزی روستایی مناسب بوده است، حتی خانوارهای کشاورز در روند نوین سازی کشاورزی به درآمدهای غیر کشاورزی وابستگی زیادی پیدا کردند. در اقتصادهای در حال توسعه که سهم زیادی از جمعیت در مناطق روستایی زندگی می کنند و پیوند شهر - روستا نوپاست، ارتباط اقتصاد غیر کشاورزی روستایی به کشاورزی بسیار است و درآمدهای روستایی حاصل از امور غیر کشاورزی برای امنیت غذایی و مدیریت خطر بسیار با اهمیت است. در این اقتصادها، محرک اصلی برای صنعتی شدن روستاها به منظور کاهش فقر، رشد کشاورزی است. افزایش در بهره وری کشاورزی و درآمدهای کشاورزی، رشد فعالیت های غیر کشاورزی و از آن طریق فرصت های شغلی را موجب می شوند. به بیان دیگر، در حالی که رشد کشاورزی، فقر روستایی و ناامنی غذایی را به طور مستقیم از طریق افزایش درآمدهای کشاورزی کاهش می دهد آثار غیرمستقیم این رشد بر اقتصاد روستایی غیر کشاورزی از طریق ارتباط های عرضه و تقاضا می تواند نشان دهنده منبع مهمتری از امنیت غذایی و کاهش فقر روستایی در طولانی مدت باشد. در واقع، بهبود استاندارد زندگی روستائیان با این پیوندها ارتباط دارد. این تجربه یکسان نیست، بعضی مناطق روستایی مثل روستاهای اندونزی و پنجاب هند به رشد کشاورزی پاسخ قوی داده اند، در حالی که در دیگر مناطق از قبیل فیلیپین این چنین نبوده است.

> با جمعبندی تجربیات آسیا، توسعه فراگیر روستاها با تکیه بر پیشرفت های تکنولوژیکی در کشاورزی، کلید کاهش پایدار فقر در کشورهای در حال توسعه است

حتی در داخل یک کشور، تفاوت های زیادی در عملکرد روستاها مشهود است. این تفاوت ها را به میزان زیادی به اختلاف در شرایط اولیه موجود در میان کشورها یا مناطق یک کشور مربوط می دانند. این شرایط عبارتند از توزیع دارایی های فیزیکی و درآمدها، کیفیت سرمایه انسانی، زیرساخت روستاها و اقتصاد کلان و شرایط سیاسی (از جمله میزان باز بودن تجارت).

پیدایش تقاضای محلی برای کالاهای غیر کشاورزی و خدمات، تا اندازه ای از طریق رشد درآمد کشاورزی تشویق می شود که محرک اصلی برای افزایش صنایع روستایی نیز هست. همان طور که بررسی های خانوار هم تأیید می کنند با افزایش درآمد، تقاضاهای غیرغذایی جهش افزایشی سریع تری از تقاضاهای غذایی نشان می دهند (برای محصولات اصلی، کشش درآمدی تقاضا در بعضی سطوح درآمدی، منفی می شود). از منافع رشد درآمد کشاورزی، توزیع عادلانه تر است. فراتر از آن، مشوق تقاضای محلی برای کالاهای روستایی غیر کشاورزی و خدمات می شود. به بیان دیگر، بیشترین نابرابری مربوط به توزیع منافع حاصل از رشد کشاورزی و کمترین آن، با وجود افزایش تقاضای محلی، مربوط به میزان آثار افزایش اشتغال حاصل از رشد بر اقتصاد روستایی است (چون کارگربری آن کمتر است).

علاوه بر تقاضای محلی (روستایی) صادرات به مناطق شهری (یا به دنیا) راه های دیگری را برای رشد روستایی مطرح می کند. بنگاه هایی که هدف صادرات دارند، با توجه به مزایای نسبی هزینه تولید صنعتی در مناطق روستایی، استقرار در روستا را بیشتر از مناطق شهری ترجیح می دهند. به راحتی قابل فرض است که کارگر در روستاها ارزان تر از مناطق شهری است. به دلیل شرایط ضعیف تر زیرساخت ها و سرمایه انسانی در مناطق روستایی، مزایای کارگر - هزینه در برابر هزینه های بالای اجرایی - سنجیده خواهند شد. مانند تجربه ایالت Taiwan در چین و قسمت هایی از آسیا قراردادهای فرعی، راه مهمی برای صنعتی سازی روستاهای کشورهای فقیر یا حتی داخل یک کشور است. این امر با دخالت بنگاه شهری و قرارداد آن با یک بنگاه روستایی برای تولید محصول به قیمت واحد، حجم و کیفیت توافقی، صورت می گیرد. اما هزینه بالای حمل و نقل و ارتباطات فرصت قراردادهای فرعی را به طور قابل ملاحظه ای کاهش می دهند. از این رو پیوند میان مناطق شهری و روستایی و میان کشاورزی و دیگر بخش های اقتصاد روستایی تضعیف می شود. بنابراین زیرساخت های روستایی برای موفقیت در تلاش هایی که در جهت فرآیند صنعتی شدن روستاها صورت می گیرند، حیاتی و حساس هستند. دسترسی پیمانکاران روستایی به توسعه صنایع روستایی بسیارمهم است. برای این که تولیدات روستایی بتوانند با تولیدات شهری رقابت مؤثری داشته باشند، بنگاه های روستایی باید توانایی سازگاری با تغییرات تکنولوژیکی و تقاضا را داشته باشند. از این رو، اهمیت سرمایه گذاری در سرمایه انسانی در مناطق روستایی نمی تواند بیش از حد مورد تأکید قرار گیرد.

با جمعبندی تجربیات آسیا، توسعه فراگیر روستاها با تکیه بر پیشرفت های تکنولوژیکی در کشاورزی، کلید کاهش پایدار فقر در کشورهای در حال توسعه است. در این کشورها فقر اساساً یک پدیده روستایی است و فقرا برای تأمین درآمد کاملاً به کشاورزی وابسته هستند. تراکم شهری، افزایش سریع نیروی کار و بیکاری، تهدیدهایی برای ثبات و همبستگی اجتماعی محسوب می شوند. این نوع از رشد، نیازمند آن است که شرایط اولیه در مناطق روستایی بسیاری از کشورهای در حال توسعه مناسب تر از آنچه در سال های اخیر بوده است، بشود. پاسخ قاطع مناطق روستایی غیر کشاورزی (مانند مناطق شهری) و فقرای روستایی به این محرک، از طریق رشد کشاورزی داده می شود.

علاوه بر این توسعه صادرات و یا تقاضای شهری، سرمایه گذاری در زیرساخت های روستایی به منظور کاهش هزینه های اجرایی، رفع جهت گیری از هزینه های دولتی به سمت بهره مندی کشاورزان بزرگ و بنگاه های کشت - صنعت (و تبعیض علیه کشاورزان کوچک)، اتخاذ سیاست های حمایتی تجاری از بنگاه های متوسط و کوچک مقیاس، بهبود دسترسی به زمین و تکنولوژی و ثبات سیاسی و اقتصاد کلان ضروری به نظر می رسد.

منبع: مؤسسه پژوهش های اقتصادی کشاورزی

کوتاه از اقتصاد

لایحه جلوگیری از تعطیلی کارخانه ها در مجلس

رئیس جمهوری لایحه اصلاح قانون حمایت صنعتی و جلوگیری از تعطیل کارخانه های کشور را برای طی تشریفات قانونی به مجلس شورای اسلامی تقدیم کرد.

به گزارش دبیرخانه شورای اطلاع رسانی دولت، این لایحه بنا به پیشنهاد وزارت امور اقتصادی و دارایی در هیأت وزیران به تصویب رسیده است.

در مقدمه توجیهی این لایحه آمده است: با توجه به ماده (۱) قانون حمایت صنعتی و جلوگیری از تعطیل کارخانه های کشور مصوب ۱۳۴۳ مبنی بر تشکیل هیأت حمایت از صنایع با عنایت به تفکیک وظایف وزارتخانه های صنایع و معادن و امور اقتصادی و دارایی و حاضر نشدن نماینده وزارت امور اقتصادی و دارایی در هیأت مزبور و باعنایت به نقش و مسئولیت خطیر وزارتخانه یاد شده در رفع مشکلات و نارسائیهای صنایع مشمول، لایحه اصلاح حمایت از صنایع داخلی و جلوگیری از تعطیل کارخانه های کشور و ساماندهی هیأت حمایت از صنایع این لایحه به مجلس تقدیم می شود.

براساس ماده واحده این لایحه، ترکیب اشخاص هیأت «حمایت از صنایع» موضوع ماده (۱) قانون حمایت صنعتی و جلوگیری از تعطیل کارخانه های کشور شامل نمایندگان وزارتخانه های امور اقتصادی و دارایی، صنایع و معادن، کار و امور اجتماعی، رفاه و تأمین اجتماعی و سازمان مدیریت و برنامه ریزی و اتاق بازرگانی و صنایع و معادن است.

براساس گزارش این دبیرخانه، هیأت وزیران همچنین بنا به پیشنهاد وزارت صنایع و معادن برای رسیدگی به لایحه «توسعه صنایع دریایی» از مجلس شورای اسلامی تقاضای اولویت کرد.

استقبال تجار هلندی از سرمایه گذاری در ایران

رئیس انجمن سرمایه گذاری ایرانی و خارجی اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران از استقبال تجار هلندی از شرایط ابلاغیه اصل ۴۴ قانون اساسی برای سرمایه گذاری در ایران خبر داد.

«حسین سلیمی» گفت: هلندی ها در حضور اخیر خود در اتاق بازرگانی ایران، مشکل بالارفتن ریسک سرمایه گذاری در ایران را مطرح کردند که مؤسسات بزرگ پوشش دهنده ریسک نظیر «ساچه»، ریسک سرمایه گذاری در ایران را از ۱۲ درصد به ۱۸ تا ۱۹ درصد اعلام کرده اند.

وی اظهار داشت: البته مشکل عمده بر سر راه سرمایه گذاران، معضل برخوردهای سخت گیرانه بانک های خارجی برای گشایش اعتبارات اسنادی ایران بوده که کار را تحت الشعاع قرار داده است.

نرم افزار تولید تلویزیون در ایران بومی شد

برای نخستین بار در کشور نرم افزار تولید تلویزیون بومی شد.

به گزارش موج، پرویز توسلی نماینده مدیرعامل صنام الکترونیک، با بیان این مطلب درباره تحریم و بحران های احتمالی حاصل از آن برای صنعت صوتی و تصویری کشور گفت: خوشبختانه تاکنون این صنعت در حال توسعه فناوری است و ایران توانسته است قابلیت های ویژه ای را در میان رقبای خارجی به دست آورد.

وی عمده ترین مشکلات حوزه تولید و تولید صنعتی را مسائل مالی و سرمایه در گردش دانست و گفت: عمده فروش کالاهای تولیدکنندگان لوازم صوتی و تصویری، اعتباری و بلند مدت است.

توسلی با اشاره به صدور ۵۰۰ هزار دلار از محصولات صنام به کشور عراق افزود: این صنعت افزون بر تأمین بازار داخلی در سال جاری بیش از یک میلیون دلار صادرات خواهد داشت.

او همچنین از بازارهای افغانستان و آفریقا به عنوان ۲ بازار جدید صادراتی برای محصولات تلویزیونی ایران در سال جاری خبر داد.

میزان فروش تلویزیون در سال ۱۹۹۷ در جهان ۱۳۶ میلیون دستگاه بوده که این عدد در سال ۲۰۰۶ به حدود ۱۹۰ میلیون دستگاه رسیده است و پیش بینی می شود میزان تقاضا برای این محصول تا سال ۲۰۰۹ به ۲۲۵ میلیون دستگاه برسد.

هم اکنون ۸۴ درصد بازار تلویزیون های جهان را محصولات CRT به خود اختصاص داده و عمده محصولات مورد استفاده کشورهای در حال توسعه از این نوع است، اضافه کرد: سهم بازار این تکنولوژی در کشورهای توسعه یافته حدود ۱۰ درصد است در حالی که این عدد برای کشورهای در حال توسعه حدود ۹۰ درصد است.

توسلی از طرح تدوین نرم افزار تلویزیون در شرکت صنام خبر داد و افزود: پس از حدود ۲ سال فعالیت مستمر، تهیه و طی کردن فاز آزمایشگاهی و فاز تست میدانی، هم اکنون وارد فاز تولید نرم افزار تلویزیون شده ایم.

سرمایه گذاری ۱۲/۸ میلیارد دلاری در امارات

گروه اقتصادی - میزان سرمایه گذاری خارجی ها در سال جاری میلادی از مرز ۱۲ میلیارد و ۸۰۰ میلیون دلار گذشت.

به گزارش ایسنا، با وجود بحران در بازارهای مالی امارات و خسارت های سنگین وارده شده به سرمایه گذاران خارجی در بورس های دوبی و ابوظبی، میزان سرمایه گذاری خارجی ها در بخش های مختلف در سال جاری میلادی از مرز ۱۲ میلیارد و ۸۰۰ میلیون دلار گذشت.

وزارت اقتصاد امارات با اعلام این خبر، افزود: امارات متحده عربی بیش از ۶۰ درصد از کل سرمایه گذاری های خارجی ها را در میان کشورهای حوزه خلیج فارس به خود اختصاص داده است.

همچنین وزارت اقتصاد امارات ایجاد شهرک های صنعتی، مسکونی، ساخت و سازهای گسترده و منظم را از عوامل اصلی جذب سرمایه گذاری خارجی ها در امارات اعلام کرد.

حجم سرمایه گذاری خارجی ها در امارات در سال ۲۰۰۶ میلادی نسبت به سال قبل از آن بیش از ۲۹ درصد رشد داشته و از مرز ۳۳ میلیارد و ۱۵۰ میلیون دلار گذشت.